

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه وبانک سوالات متنوع و جواب تمام فعالیت های

مطابق با آزمون های نهایی

فلسفه دوازدهم انسانی

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:

« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فلسفه (۲)

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

هستی و چیستی^۱

درسنامه

«هستی» و «چیستی»

یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی است. این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

«قدم نخست»

می دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می کنیم و نیازمان را برطرف می سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعا هست و می توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود.

همچنین مواردی را به خاطر داریم که چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خود پی برده و متوجه شده ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند:

آن زمان که ابتدا فکر کرده ایم در صدمتری پیش روی ما آب است، اما وقتی به آنجا رسیده ایم دانسته ایم که سراب بوده و آب نبوده است.

«قدم دوم»

- حیثیت موجود بودن (وجود)

-حیثیت چیستی داشتن (ماهیت)

وجود، وجه مشترک موجودات و ماهیت، وجه اختصاصی آنها است.

«قدم سوم»

وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند.

وقتی می گوئیم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است .

در خارج دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم.

ماهیت و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه

«قدم چهارم»

در عبارت (انسان «حیوان ناطق است») این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.

اصولاً اصولاً لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می رود. مثال دیگر در همین زمینه مثال: «مثلث شکل سه ضلعی است» می باشد.

اما در عبارت «انسان موجود است» مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد.

بنابراین، میان انسان به عنوان یک چیستی و وجود رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد.

«تمایز بین وجود و ماهیت از نظر «ابن سینا»

وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست:

که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند.

وقتی می‌گوییم «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، و الا در خارج، دو امر جداگانه به نام «انسان» و «وجود» نداریم.
به عبارت دیگر، «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.

«حمل وجود بر ماهیت»

حمل وجود بر هر چیستی از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است از طریق:
حس و تجربه به دست آید.
یا از طریق عقل محض.

«گذری تاریخی»

فرق بین ماهیت و وجود یا همان مغایرت وجود و ماهیت یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.
یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد.
این نظرا بن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهایی مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا امروز هم ادامه یافته است.

الف) سوالات کامل کردنی :

- ۱- یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم و است. (هستی-چیستی)
- ۲- و از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند (هستی-چیستی)
- ۳- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو حیثیت می‌یابد: حیثیت بودن و حیثیت داشتن. (موجود بودن - چیستی)
- ۴- وجه مشترک موجودات است و وجه اختصاصی آنها. (وجود-ماهیت)
- ۵- وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم یا شده‌اند. (ترکیب-جمع)
- ۶- وقتی می‌گوییم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در و از جهت است. (ذهن-مفهوم)
- ۷- در، دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم. (خارج)
- ۸- ماهیت و وجود دو مختلف و متفاوت اند نه دو جداگانه. (مفهوم-موجود)
- ۹- در گزاره «انسان حیوان ناطق است» حیوان ناطق است. (محمول)

۱۰- در تعریف انسان: «انسان حیوان ناطق است.» دو مفهوم «انسان» و «حیوان ناطق» دو مفهوم از یکدیگر هستند. و تفاوت آنها صرفاً در شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است. (جدایی ناپذیر-گسترده‌گی)

۱۱- حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل» است و به نیاز ندارد. (ضروری-دلیل)

۱۲- در عبارت «انسان موجود است» مفهوم وجود از مفهوم انسان است و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان انسان به عنوان یک چیستی رابطه برقرار نیست. (جدا-ضروری)

۱۳- حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند است. حال این دلیل ممکن است باشد یا محض. (دلیل-حسی و تجربی-عقلی)

۱۵- فرق بین و بی تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است. (ماهیت-وجود)

۱۶- برهان یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا است. (وجوب و امکان)

۱۷- پایه‌گذار فلسفه توماسی تومیسم در اروپا شد. (توماس آکوئیناس)

۱۸- فلاسفه از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه آشنا شدند. (غرب-ارسطویی)

ب) سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات	ب: پاسخ‌ها
۱- این نظریه، پایه‌ی یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا است.	ارسطو=۴
۲- پایه‌گذار فلسفه توماسی تومیسم	ب) دلیل=۸
۳- یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا	ج) توماس آکوئیناس=۲
-مؤلف کتاب مابعد الطبیعه	د) وجود و ماهیت=۶
۵- وجه اختصاصی موجودات است.	ک) حیوان ناطق=۷
۶- دو حیثیتی که انسان در هر چیزی مشاهده می‌کند.	ل) مغایرت وجود و ماهیت=۱
۷- در گزاره «انسان حیوان ناطق است» محمول است.	م) وجوب و امکان=۳
۸- حمل وجود بر ماهیت نیازمند آن است.	ه) ماهیت=۵

ج) گزاره‌های فلسفی صحیح و غلط:

۲- فلاسفه غرب از طریق علامه طباطبایی با فلسفه ارسطویی آشنا شدند. (غ)

- ۳- حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » یک « حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. (ص) »
- ۴- در گزاره « انسان حیوان ناطق است » انسان محمول است. (غ)
- ۵- ماهیت و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه. (ص)
- ۶- توماس آکوئیناس پایه گذار فلسفه توماسی تومیسم در اروپا شد. (ص)
- ۷- افلاطون در کتاب مابعد الطبیعه وجود را از ماهیت جدا می سازد. (غ)
- ۸- وقتی می گوئیم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است. (ص)
- ۹- معرفت شناسی درباره حقیقت علم صحبت می کند بخشی از هستی شناسی به معنای عام آن است. (ص)
- ۱۰- ماهیت وجه مشترک موجودات است و وجود وجه اختصاصی آنها است. (غ)

د) سوالات تشریحی:

- ۱- یکی از مباحث اولیه فلسفه چیست؟
- یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی است.
- ۲- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، چند حیثیت می یابد ؟
- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو حیثیت می یابد : حیثیت موجود بودن و حیثیت چیستی داشتن.
- ۳- وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟
- وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.
- ۴- انسان را از نظر منطقی و فلسفی تعریف کنید.
- انسان حیوان ناطق است.
- ۵- حمل وجود بر چیستی و ماهیت نیازمند چیست؟
- نیازمند دلیل است . حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض
- ۶- یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چیست؟
- فرق بین ماهیت و وجود یا همان مغایرت وجود و ماهیت
- ۷- (برهان وجوب و امکان) درباره اثبات چه چیزی است ؟ این برهان را چه کسی ارائه کرده است؟ پایه این برهان چیست؟

این برهان درباره اثبات خداوند است. -این برهان را ابن سینا ارائه کرده است. -پایه این برهان مغایرت وجود و ماهیت است.

۸- پایه گذار فلسفه توماسی تومیس در اروپا چه کسی است؟

توماس آکوئیناس)

۹- فلاسفه غرب از طریق چه کسانی با فلسفه ارسطویی آشنا شدند؟

فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

۱۰- دیدگاه های عقلی فلسفه از چه قرنی و با رشد چه نوع فلسفه ایی ، جای خود را به چه نوع فلسفه ایی دادند؟

از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند.

۱۱- یکی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها چیست؟

این دو مفهوم (وجود و ماهیت) از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند. برای شناخت این نسبت، چند قدم برمی داریم تا در قدم آخر، نسبت این دو مفهوم به روشنی مشخص شود.

۱۲- وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند به چه معنا هست و به چه معنا نیست؟

وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند. وقتی می گوئیم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است. در خارج دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم. ماهیت و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه

۱۳- در مثال انسان: «حیوان ناطق است» چه رابطه ایی میان انسان و حیوان ناطق وجود دارد؟

این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می رود. مثال دیگر در همین زمینه مثال: «مثلث شکل سه ضلعی است» می باشد.

۱۴- در مثال انسان حیوان ناطق است؟ حمل چه نوع حملی است و چرا به دلیل نیاز ندارد؟

حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما حیوان ناطق را بر انسان حمل کردید.

۱۵- در عبارت «انسان موجود است.» مفهوم وجود و مفهوم انسان چه ارتباط و رابطه ایی با همدیگر دارند؟

در عبارت «انسان موجود است» مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد . بنابراین، میان انسان به عنوان یک چیستی و وجود رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد.

۱۶- قدم نخست برای شناخت دو مفهوم وجود و ماهیت و نسبت میان آنها، را بنویسید.

در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می کنیم و نیازمان را برطرف می سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعا هست و می توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود.

در همین سیر به گذشته، همچنین مواردی را به خاطر داریم که چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خود پی برده و متوجه شده ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند آن زمان که ابتدا فکر کرده ایم در صدمتری پیش روی ما آب است، اما وقتی به آنجا رسیده ایم دانسته ایم که سراب بوده و آب نبوده است.

۱۷- قدم دوم برای شناخت دو مفهوم وجود و ماهیت و نسبت میان آنها، را بنویسید.

وقتی انسانی با کلمه این و آن چیزی را نشان می دهد پی به آن برده است و می داند که آنها موجودند اما از ماهیت و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل نباشد. پس می توانیم بگوییم:

۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد «موجود بودن» و «چیستی داشتن»

۲- وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

۱۸- دو جنبه مهم هر شی را بنویسید.

انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد «موجود بودن» و «چیستی داشتن»

۱۹- وجه مشترک موجودات چیست؟

وجود (هستی)

۲۰- وجه اختصاصی موجودات چیست؟

ماهیت (چیستی)

۲۱- قدم سوم برای شناخت دو مفهوم وجود و ماهیت و نسبت میان آنها، را بنویسید.

وقتی می گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند.

۲۲- آب از نگاه فلسفی چگونه است؟

اما از نگاه فلسفی آب یک موجود واحد و غیرمرکب ولی با دو جنبه مختلف است و انسان با نظر به این دو جنبه، دو مفهوم چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را به دست می آورد و در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم.

۲۳- دو دانشمند و فیلسوف مسلمان که درباره تمایز وجود و ماهیت کارکرده اند و به آن پرداخته اند کدامند؟

فارابی- ابن سینا

۲۴- دلیل ابن سینا برای مغایرت وجود و ماهیت را مختصراً بنویسید.

او می گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است.

چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات انسان است حمل حیوان ناطق بر انسان چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.

اما رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست و در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنا بر این میان انسان به عنوان یک چیستی و وجود رابطه ذاتی برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد.

بنا بر این حمل وجود بر هر ماهیت از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقل محض.

تکمیل گزاره ها

۱- اطراف ما اشیاء فراوانی هستند که هم «چیستی» آنها را تا حدود زیادی می شناسیم و هم از هستی «شان خبر داریم؛ مانند:

درخت صنوبر-انسان-ستاره-اسب-فیل-و آب، میوه ها و حیوانات

۲- برخی امور هستند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

جاذبه، انرژی، روح و نور

۳- «چیستی» های فراوانی را هم می توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می دانیم این امور، حداقل تاکنون «وجود» ندارند؛ مانند:

مانند پری دریایی و سایر موجوداتی که در افسانه ها و داستان های تخیلی آمده است. غول، دیو، ققنوس، سیمرغ.

اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله ای پیش می آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

اگر مفهوم وجود عین ماهیت یا حتی جز ماهیت بود تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود یعنی همینکه میتوانستیم یک ماهیت را تصور کنیم باید میتوانستیم مفهوم وجود را بعنوان محمول بران حمل نماییم حال آنکه چنین نیست میگوییم غول یا کیمیا چیست؟ ماهیت انرا داریم ولی نمیتوانیم بگوییم وجود دارد.

یا اینکه اگر مفهوم وجود عین یا جزیی از ماهیت بود، پس با آمدن هر ماهیتی به ذهن، آن ماهیت باید در دنیای خارج از ذهن هم وجود داشته باشد. اما این درحالی است که گفتیم بعضی از ماهیت ها وجود خارجی ندارند. پس ماهیت و وجود از هم جدا هستند و یکی جزء دیگری نیست.

به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال های زیر پاسخ دهید.

۱- آیا سه گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ اند؟

همه گزاره ها با بیان ابن سینا هماهنگ است و تضادی با قول ایشان ندارد.

۲- کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می کند؟

گزاره دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می شناسیم اما ماهیت آنها روشن نشده است. در گزاره سوم نیز گفته شده که ما می توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم درحالی که ممکن است اصلاً موجود نباشند.

در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چیستی و هستی را به دست می آوریم.

۱- قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می توان مقایسه کرد؟

۱- انسان بشر است.

۲- انسان حیوان است.

۳- انسان مخلوق است.

گزینه ۳ انسان مخلوق است.

قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است. زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان نیازمند دلیل است. اما بشر و حیوان ذاتی انسان است و دلیل نمی خواهد.

۲- شبی علی و محمد در حال گفت و گو بودند، از دور حیوانی را دیدند علی گفت آن حیوان «سگ» است ولی محمد گفت آن حیوان «گرگ» است، وقتی حیوان نزدیک شد دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه تخته سنگ است.

به نظر شما چه نتیجه ای می توان در نسبت بین چیستی و هستی حیوان گرفت؟

گویای آن است که انسان میان وجود و ماهیت تمایز قائل می شود، یعنی با اینکه می داند موجودی هست ولی نمی داند که آن موجود، چیست؟ و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با اینکه نسبت به موجود شک و تردید دارد که چه ماهیتی است، اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی کند

۳- به گزاره های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول ها به موضوع ها نیازمند دلیل است و چرا؟

۱- انسان حیوان است.

۲- انسان شیر است.

۳- انسان مخلوق است.

۴- انسان ناطق است.

۵- انسان موجود است.

حمل حیوان بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد.

حمل ناطق بر انسان نیز ذاتی است و دلیل نمی خواهد.

حمل شیر بر انسان ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج شیر و انسان یکی هستند.

حمل مخلوق بر انسان ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن، از طریق عقل به دست می آید. حمل موجود بر انسان نیز ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست.

۴- آیا در قضیه « مثلث سه ضلعی است » حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

خیر- زیرا سه ضلعی ذاتی مثلث است و لذا حمل آن بر مثلث نیازمند به دلیل نیست.